

نگاهی جامع به

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی؛

فرصت‌ها، چالش‌ها و شواهد

مریم کاویانی

مقدمه

استانداردسازی بخشی از سلسله مراتب توسعه فراگیر است که در اصطلاح به آن مدرنیته گفته می‌شود. در جامعه مدرن، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری امری لازم و ضروری است (رحمانی، ۱۳۹۳).

هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری نخست در درون کشورها و با وضع استانداردهای حسابداری ملی آغاز و پس از آن با رشد بازارها و افزایش مبادلات بین‌المللی کالا، خدمات و سرمایه، در سطح بین‌المللی مطرح شد. بر همین اساس، کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ با هدف تدوین استانداردهای بین‌المللی تشکیل و سپس در سال ۲۰۰۱ دوباره سازماندهی گردید و به‌عنوان تدوین‌کننده مستقل استانداردهای بین‌المللی با نام هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲ شروع به فعالیت کرد.

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۳ به مجموعه استانداردهایی گفته می‌شود که از سوی این هیئت برای شناخت، اندازه‌گیری و گزارشگری معاملات و رویدادهای یک شخصیت حسابداری وضع شده و مورد توافق قرار گرفته‌اند (Hope et al., 2006). این استانداردها در دو دهه اخیر در سطح بین‌المللی مورد پذیرش گسترده‌ای واقع شده‌اند و تحقیقهای زیادی در راستای بررسی نتیجه اجرای آن‌ها در کشورهای پذیرنده انجام شده است.

از آنجا که درک صحیح اهمیت، ضرورت و چالش‌های اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از الزامهای پذیرش آن است، در این مقاله سعی شده است ضمن بیان ضرورت به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌وسیله کشورهای جهان، منافع و چالش‌های احتمالی اجرای آن در قالب دیدگاه‌های مختلف ارائه شود. سپس با بررسی مطالعات انجام‌شده درباره نتایج حاصل‌شده از اجرای واقعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در برخی از کشورهای پذیرنده، تلاش شده است شیوه پیاده‌سازی کارا و مؤثر این استانداردها در ایران تا حدودی تبیین شود.

تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۴ نامیده می‌شد؛ پس از آن در سال ۲۰۰۱، هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری به‌منظور توسعه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی جایگزین این کمیته شد و وظیفه تدوین در این زمینه به این سازمان جدید واگذار شد. هر چند قوانین وضع‌شده از سوی کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز همچنان مورد قبول سازمان جدید بود، اما هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارای منابع مالی و استقلال بیشتر و کادر حرفه‌ای تری نسبت به کمیته تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی است. اولین استاندارد این هیئت در سال ۲۰۰۳ منتشر و در آن زمان حداقل ۱۹ کشور استانداردهای خود را با استانداردهای بین‌المللی انطباق دادند. از آن به بعد، به‌طور تقریبی ۷۰ کشور (از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا) برای تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس خود،

ضرورت به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی

در گذشته تأمین سرمایه تنها در سطح ملی صورت می‌پذیرفت. شرکت‌هایی که تصمیم به افزایش سرمایه داشتند، بیشتر منابع موردنیاز خود را از تأمین‌کنندگان محلی (مانند بانک‌ها، سرمایه‌گذاران و بازار سهام آن کشور) فراهم می‌کردند. در این موارد، تأمین‌کنندگان و تحصیل‌کنندگان سرمایه هر دو در یک کشور قرار داشتند و با مبانی تهیه صورت‌های مالی در آن کشور آشنا بودند. امروزه تجارت جهانی بسیار متفاوت است. مجموعه‌ای از عوامل مانند از بین رفتن محدودیت‌ها و موانع تجاری، آزادسازی بازارهای مالی، پیشرفت‌های حوزه فناوری، همگی به ایجاد یک محیط تجاری بسیار متفاوت انجامیده است؛ به‌گونه‌ای که بازارهای سرمایه در سطح جهان با یکدیگر پیوند متقابل دارند و سرمایه‌گذاران در جستجوی فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری، مرزهای جغرافیایی کشورهای جهان را درمی‌نورند و محدودیت‌های ملی برای شرکت‌کنندگان در بازار سرمایه از بین رفته است. افزایش نقش تجارت بین‌الملل در عرصه اقتصاد و همچنین افزایش جریان سرمایه بین کشورهای مختلف، باعث ارتقای نقش بازارهای مالی بین‌المللی در تأمین مالی شده است. با وجود این تغییرات در عرصه تجارت، ناکافی بودن رویکردهای منطقه‌ای و ملی برای مدیریت بازارهای سرمایه احساس می‌شود و برای رفع این کاستی‌ها، اقتصاد جهانی به استانداردهایی نیاز دارد که در سطح بین‌المللی پذیرفته شده باشند. جهانی شدن روش‌های تأمین سرمایه، سرآغاز حرکت به سمت جهانی شدن استانداردهای گزارشگری مالی است؛ زیرا وجود تفاوت‌های بسیار در استانداردهای بین‌المللی مختلف، معاملات در بازار سرمایه را با دشواری‌های جدی روبه‌رو می‌کند. این در حالی است که اگر سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران در سراسر جهان پراکنده باشند، نیازی به وجود مجموعه استانداردهای حسابداری جداگانه برای هر کشور نخواهد بود (Mackintosh, 2014).

با توجه به این ضرورت، کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای اولین بار با هدف تدوین استانداردهای بین‌المللی در سال ۱۹۷۳ از سوی حسابداران حرفه‌ای استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، مکزیک، هلند، انگلستان، ایرلند و آمریکا تأسیس شد. در این زمان مقررات منتشرشده توسط کمیته

بسیاری از مشکلاتی که کشورها

در راستای انتقال به

استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی

با آن‌ها روبه‌رو هستند

موقتی است و

در درازمدت رفع خواهد شد





پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری

یک پروژه عظیم است که

نیازمند اجماع و توافق

در تمامی سطوح

جامعه حسابداری ایران است

افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی

مقایسه‌پذیری همراه با مربوط و اعتمادپذیر بودن، از ویژگی‌های اطلاعات حسابداری باکیفیت است. در دنیای امروز که مرزهای اقتصادی به تدریج با گسترش فضای رقابتی و جهانی شدن اقتصاد کمرنگ‌تر می‌شوند، مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی کشورهای مختلف به عنوان بالاترین درجه اهمیت برای تسهیل تصمیم‌های سرمایه‌گذاران و افزایش تخصیص بهینه دارایی‌ها در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی مدنظر است (Cascino & Gassen, 2012).

مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی کشورهای مختلف، بدون پذیرش استانداردهای بین‌المللی حاصل نمی‌شود. در صورت توجه نکردن به این استانداردها و به دلیل تفاوت عمده در نحوه گزارشگری مالی بین کشورها، سرمایه‌گذاران برای آگاهی از شرکت‌های خارجی به شناخت نحوه تدوین گزارش‌های مالی شرکت مذکور نیاز دارند که کسب این آگاهی و شناخت، در موارد بسیار زیادی مشکل و هزینه‌بر است و گاهی نیز امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب، افزایش هزینه معاملاتی، تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد.

با این تفاسیر، اگرچه با وجود استانداردهای ملی، مقایسه‌پذیری در سطح هر کشور وجود دارد، ولی مقایسه‌پذیری جهانی و فراملیتی، نیاز حیاتی بازار، محققان و سرمایه‌گذاران است. با استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، این نیازها تا حدی برطرف می‌شود (Cascino & Stefano, 2010).

افزایش کارایی بازارهای بین‌المللی

با گسترش سریع بازارهای سرمایه که تأثیری مهم در توزیع

ملزم به استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شدند (Ramanna & Sletten, 2009).

هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، هدف رسمی خود را چنین بیان می‌کند: ارائه مجموعه‌ای واحد از استانداردهای جهانی حسابداری قابل درک و درخور اجرا در جهت منافع عمومی که اطلاعاتی با کیفیت بالا، شفاف و مقایسه‌پذیر را در صورت‌های مالی و دیگر گزارش‌های مالی تضمین می‌کند تا به فعالان بازارهای جهانی سرمایه و دیگر استفاده‌کنندگانی که تصمیم‌های اقتصادی می‌گیرند، کمک کند (توکل‌نیا و اسدی، ۱۳۹۳).

دیدگاه‌های متفاوت

با وجود هدف هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای تدوین استانداردهای بین‌المللی، حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند چالش‌هایی را نیز برای سرمایه‌گذاران جهانی، حساب‌رسان و قانون‌گذاران ایجاد کند. به همین دلیل، دیدگاه‌های متفاوتی درباره پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد که توجه به آن‌ها برای درک ضرورت هماهنگ‌سازی لازم و ضروری است.

موافقان پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی
موافقان پذیرش استانداردهای بین‌المللی بر مزایای پذیرش این استانداردها تأکید می‌کنند و بر این باورند که پذیرش استانداردهای بین‌المللی موجب افزایش مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی، افزایش کارایی بازارهای بین‌المللی و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

هر جامعه متأثر می‌شود و اگر استانداردهای حسابداری براساس شرایط محیطی و اقتصادی داخل کشور تدوین نشود، ممکن است اجرای آن‌ها به بروز پیامدهای نامساعدی منجر شود. محیط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای مختلف، تفاوت بسیاری با یکدیگر دارند؛ بنابراین طبیعی است که استانداردهای حسابداری کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت باشند. استفاده از استانداردهای حسابداری جامعه‌ای که در آن بازار سرمایه از کارآمدی لازم برخوردار بوده و مالکیت بخش خصوصی در صنایع رشد کرده و تفکیک مالکیت از مدیریت به‌طور نسبی صورت گرفته است، در جامعه‌ای که بازار سرمایه آن ضعیف و تمرکز مالکیت در دستان دولت است و تفکیک مالکیت از مدیریت به‌طور محتوایی وجود ندارد، نمی‌تواند به‌طور کامل سودمند باشد (Hail et al., 2009).

منافع همه گروه‌های ذینفع

هدف اصلی هماهنگ‌سازی استانداردها، تسهیل و توسعه تجارت جهانی می‌باشد. این در حالیست که موانع جهانی شدن برای کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته متفاوت است. استانداردهای حسابداری بین‌المللی با توجه به اوضاع اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته به‌خصوص آمریکا و انگلیس، نوشته شده است. هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری را می‌توان تحت سلطه آمریکا و علاقه‌مند به ارتقای استانداردهای حسابداری ایالات‌متحد از طریق مشروعیت بخشیدن بیشتر به آن در سطح جهان دانست (Gallhofer & Haslam, 2006). با توجه به این مهم، اولین چالش در هماهنگ‌سازی استانداردها، نگرش منفی کشورهای در حال توسعه نسبت به هماهنگ‌سازی تحمیلی از جانب کشورهای توسعه‌یافته‌تر، برای تسلط بر آن‌ها است.

سازوکارهای اجرایی

هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، براساس ساختارش یک نهاد تدوین‌کننده استاندارد است و سازوکاری برای اجرای استانداردهایش ندارد. این هیئت می‌تواند کشورها و شرکت‌ها را تشویق به پذیرش استانداردهایش کند؛ اما در عمل نمی‌تواند خواستار اجرای آن شود. بدین ترتیب، نمی‌توان یکایک کشورها و شرکت‌هایی که این استانداردها را پذیرفته ولی در عمل نتوانسته‌اند آنها را

منابع اقتصادی دارند، چگونگی افشای اطلاعات از مسائل مهم در تعیین کارایی بازار است. پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به افشای اطلاعات مالی دقیق‌تر و جامع‌تری نسبت به گزارشگری مالی داخلی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاران می‌شود. در اثر افشای اطلاعات بیشتر در بازار سرمایه، از طرفی احتمال کمتری وجود دارد که سرمایه‌گذاران کوچک اطلاعات مالی را از محلی غیر از صورت‌های مالی دریافت کنند و از طرف دیگر، هزینه پردازش اطلاعات مالی برای سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد. بدین ترتیب امکان رقابت بین سرمایه‌گذاران مختلف ایجاد و این مهم سبب افزایش کارایی بازارهای سرمایه می‌شود.

ارتقای کیفیت گزارشگری مالی

پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی کشورهای مختلف، سبب می‌شود اندیشمندان و حسابداران خبره از سراسر جهان با مطالعه و تمرکز بر این استانداردها، نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی کرده و از طریق رفع اشکالهای آن، مجموعه جامعی از استانداردها به‌دست آید که با اجرای آن و به‌دلیل کاهش ریسک و نابرابری اطلاعاتی، کیفیت گزارشگری مالی به میزان زیادی ارتقا پیدا می‌کند. افزون بر این، انتظار می‌رود با توجه به شرایط مختلف اقتصادی در سراسر جهان، تجربه‌های بسیاری از کشورها در استانداردها لحاظ و از بروز بحران‌های مالی و اقتصادی تا حدودی جلوگیری شود (فروغی و اشرفی، ۱۳۸۹).

مخالفان پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

مخالفان پذیرش استانداردهای بین‌المللی بر چالش‌های اجرای این استانداردها تأکید می‌کنند و بر این باورند که شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی متفاوت، نبود سازوکارهای مناسب برای به‌کارگیری ارزش منصفانه، نبود سازوکارهای اجرایی، اختلاف‌های بنیادی در مفاهیم حسابداری، در نظر نگرفتن منافع همه گروه‌های ذینفع در تدوین استانداردها و پیچیدگی‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، دلایلی بر رد رویکرد هماهنگ‌سازی است.

شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

تدوین استانداردهای حسابداری از شرایط محیطی و اقتصادی

دیدگاه‌های متفاوتی درباره پذیرش

استانداردهای بین‌المللی

گزارشگری مالی

وجود دارد که توجه به آن‌ها

برای درک ضرورت

هماهنگ‌سازی

لازم و ضروری است

برای اجرای این مهم فراهم شود و ریسک‌هایی که شرکت را تهدید می‌کند، شناسایی شود. اجرای این فرایندها لزوم انجام تحقیق‌های گسترده‌تری را ضروری می‌کند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که اصطلاح ارزش منصفانه و استانداردها که نوعی دیدگاه مثبت را القا می‌کند، قادر به تأثیر مطلوبی بر سطح رفاه عمومی و گسترش عدالت در تمامی جوامع نباشد (فروغی و اشرفی، ۱۳۸۹).

مفاهیم حسابداری

در طول چند سال گذشته، هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، تلاش بسیاری را برای پذیرش یک چارچوب نظری مشترک در رابطه با گزارشگری مالی آغاز کردند؛ اما پاسخ همفکری‌های صورت‌گرفته، اختلاف‌های بااهمیتی را پیرامون این موضوع در گزارشگری مالی آشکار می‌کند (Walker, 2010).

برخی از موارد اختلاف بنیادی عبارتند از چگونگی ارزیابی ایفای وظیفه مباشرت مدیریت و شناخت آن به‌عنوان یک هدف جداگانه، مربوط بودن و قابلیت اتکای ارزش‌های منصفانه، ماهیت و مفید بودن محافظه‌کاری در حسابداری، نقش افشا در مقابل شناخت و اندازه‌گیری در صورت‌های مالی، شکل ارائه صورتحساب عملکرد و اهمیت ارقام سود در آن و ...

در سایه اختلاف‌های بسیار بااهمیت بنیادی میان خبرگان و کارشناسان حسابداری، می‌توان گفت در پیش‌گرفتن راهبردی مبنی بر دستیابی به یک توافق جهانی واحد، چندان معقول به نظر نمی‌رسد. بنابراین در شرایطی که اطمینان کامل و همه‌جانبه‌ای نسبت به یک نظام واحد وجود ندارد، بهتر آن است که بازار شرکت‌ها نظام‌های متفاوتی از پاسخگویی را که بر چشم‌اندازهای متفاوتی از حسابداری مطلوب مبتنی می‌باشند، تجربه کنند (Walker, 2010).

پیچیدگی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

در سال‌های اولیه کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، پیچیدگی استانداردهای جدید و نبود اطمینان از ترجمه، تفسیر و کاربرد صحیح استانداردها، موجب بروز دشواری‌هایی برای درک صحیح آن‌ها می‌شود

به‌طور کامل اجرا کنند، مجازات کرد. این مسائل، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را در معرض خطر پذیرش صوری و نه واقعی قرار می‌دهد (Christensen et al., 2009).

به‌کارگیری ارزش منصفانه

یکی از دیدگاه‌های زیربنایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تأکید بر ارزش‌های منصفانه است. مزیت‌های اصلی استفاده از نظام ارزش‌های جاری نسبت به بهای تمام‌شده تاریخی، مربوط بودن آن با تصمیم‌های استفاده‌کنندگان و انعکاس بهتر وضعیت مالی و ارزیابی عملکرد گذشته و چشم‌انداز آینده شرکت می‌باشد. با وجود این مزایا، قابلیت اجرای نظام ارزش‌های جاری در عمل با ابهام روبه‌روست و پذیرش آن مستلزم کارایی بازار سرمایه است که در آن ارزش‌های جاری درخور اتکایی برای دارایی‌ها وجود دارد. در صورت عدم کارایی بازار، هزینه‌های پذیرش نظام ارزش‌های جاری در مقایسه با منافع آن بسیار بالاتر خواهد بود. این در حالی است که در بسیاری از کشورها، شرایط بازارها و زیرساخت‌های آن چالش جدی در به‌کارگیری ارزش منصفانه به‌شمار می‌روند. از سویی دیگر، گزارشگری به ارزش منصفانه دارای پیامدهای مالیاتی است. سازمان مالیاتی به‌طور عمومی مواردی را که با منافع سازگار باشد می‌پذیرد؛ از اینرو باید زیرساخت‌های حقوقی و قانونی نیز

به دنبال این پذیرش گسترده، می توان با بررسی آزمون وضعیت کشورهایی که تاکنون در عمل استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی را اجرا کرده اند، نتایج و موانع احتمالی آینده اجرای واقعی استانداردهای بین المللی را در راستای مبانی نظری پیش گفته، تا حدودی تأیید کرد.

هیل و همکاران (Hail et al., 2009)، کیفیت گزارشگری مالی را برای شرکت های آلمانی که از استانداردهای بین المللی حسابداری یا از استانداردهای ملی آلمان استفاده می کردند، آزمون کردند و به این نتیجه رسیدند که نتایج عملیات شرکت هایی که از استانداردهای بین المللی استفاده می کنند در مقایسه با شرکت هایی که از استانداردهای ملی آلمان استفاده می کنند، بهتر منعکس شده و در نتیجه حجم معاملات سهام این شرکت ها افزایش می یابد که این امر سبب کاهش هزینه سرمایه شرکت ها می شود.

مورفی اسمیت (Murphy Smith, 2008)

قابلیت پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی را در کشور بنگلادش مورد ارزیابی قرار داد. او با استفاده از مدارک و اطلاعات نگهداری شده به وسیله دولت بنگلادش و مصاحبه با اعضای جامعه حسابداران رسمی و کارکنان ذیربط کمیسیون بورس اوراق بهادار بنگلادش، به این نتیجه رسید که پذیرش استانداردهای بین المللی باعث افزایش قدرت تصمیم گیری به وسیله استفاده کنندگان اطلاعات شده است.

پانانن و پارمار (Paananen & Parmar, 2008)

براساس تحقیقهای خود اظهار داشتند که پس از به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در بریتانیا، تمرکز سرمایه گذاران از سود به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تغییر کرده، اما تغییری در توانایی اطلاعات حسابداری برای پیش بینی ارزش آینده سهام ایجاد نشده است.

موریس و همکاران (Morris et al., 2014) طی یک پژوهش پرسشنامه ای، با بررسی درک تهیه کنندگان

(Morris et al., 2014). برای حل این چالش، تشکیل کمیته هایی به وسیله مجامع حرفه ای به منظور ارزیابی و نظارت بر فرایند پذیرش استانداردهای بین المللی و ارائه آموزش های لازم به ناشران صورت های مالی، سهامداران و حساب رسان آن ها، بسیار ضروری است.

تضاد و شواهد

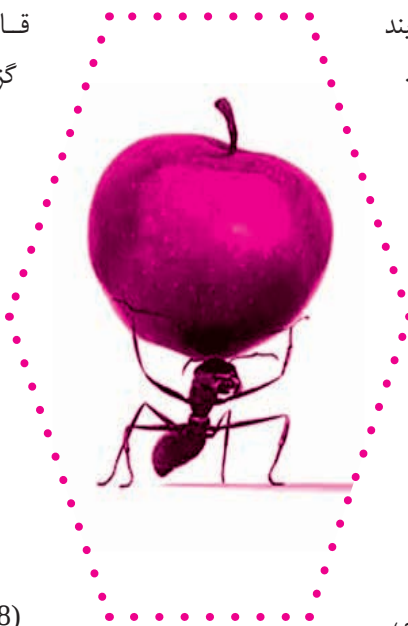
تضاد بین دیدگاه های مختلف در رابطه با پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، جزء لاینفک تکامل یک دیدگاه خاص است. براساس فلسفه دیالکتیک **هگل**، تضادها به عنوان منشأ اصلی همه تغییرها محسوب می شوند. تغییر، جزء لاینفک و اجتناب ناپذیر هستی است و حقیقت به واسطه ایجاد ناسازگاری با ساختار اولیه (تز)، جنبه متقابل و مخالف آن را ایجاد می کند (آنتی تز). سپس دوره ای از ناسازگاری ها

یا تضادها میان این دو روی می دهد و واقعیت

جدید (سنتز) ایجاد می شود. این فرایند به صورت مستمر و هوشمند ادامه می یابد. هر تز جدیدی نشان دهنده فرایند مستمری از تره های قبلی است و این کار تا نقطه پایانی ادامه دارد (مرفوع و الهامی، ۱۳۹۳).

در واقع، ابتدا تعریفی در جریان بحث ارائه می شود (تز یا برنهاد)؛ سپس این تعریف با موارد نقضی به چالش کشیده می شود (آنتی تز یا برابر نهاد) و سرانجام کوشش می شود تا با توجه به موارد نقض، صورت بندی اصلاح شده ای از تعریف اولیه ارائه شده و تعریفی جامعی محقق شود (سنتز یا هم نهاد). با توجه به این

فلسفه، وجود چالش ها و دیدگاه های متفاوت در رابطه با هماهنگ سازی استانداردها دلیلی بر رد این رویکرد نیست و وجود اختلاف نظر در راستای ایجاد تغییرها و تکامل یک رویکرد خاص، امری طبیعی است. گسترش به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در بیشتر کشورهای جهان هم دلیلی بر درستی این موضوع است.



پروژه عظیم است که نیازمند توافق در تمامی سطوح جامعه حسابداری ایران است؛ بدین ترتیب لازم است ابتدا محققان و اندیشمندان با انجام مطالعه در این زمینه درک صحیحی از ضرورت‌ها و چالش‌های هماهنگ‌سازی ایجاد کنند.

دوم اینکه با توجه به نتایج مطالعات انجام‌شده در این زمینه، سازمان حسابرسی و بورس اوراق بهادار به‌عنوان نهادهای حرفه‌ای و تأثیرگذار، با تدوین برنامه از پیش تعیین‌شده در ایجاد شرایط لازم برای هماهنگ‌سازی و رفع چالش‌های پیش‌رو پیش‌قدم باشند.

نتیجه‌گیری

ساختار بازارهای سرمایه به‌سرعت در حال تغییر و جهانی شدن است. در چنین محیط متغیری، حسابداری باید مطابق با نیازهای استفاده‌کنندگان رشد کند تا به‌عنوان یک خدمت مورد پذیرش جامعه باشد.

در همین راستا، در این مقاله ضرورت به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی کشورهای جهان و منافع و چالش‌های احتمالی اجرای آن در قالب دیدگاه‌های مختلف بیان شد. افزون بر این، برخی از مطالعات انجام‌شده درباره نتایج اجرای واقعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در برخی از کشورهای پذیرنده برای تأیید مبانی نظری بررسی شد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد هرچه قوانین حسابداری ملی به استانداردهای بین‌المللی نزدیک‌تر باشد، هزینه این تغییر کمتر و منفعت آن بیشتر خواهد بود (Soderstrom & sun, 2008) و این منافع در سال‌های بعد از پذیرش اولیه نمود خواهند یافت (Morris et al., 2014).

با توجه به این نتایج، اگرچه استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران به‌طور رسمی پذیرفته نشده است، اما با توجه به اینکه مبنای اصلی استانداردهای ملی ایران، استانداردهای بین‌المللی است (رحمانی و علیپور، ۱۳۹۰)، با اجرای یک برنامه هدفمند و سنجیده می‌توان راه پیش‌رو در راستای هماهنگ‌سازی در ایران را به‌نسبت هموار تلقی کرد.

گزارش‌های مالی ۳۰۵ شرکت استرالیایی از صورت‌های مالی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای اولین بار، به این نتیجه رسیدند که سطح پایداری از مزایای پیش‌بینی‌شده در این زمینه در واقعیت اجرا به وقوع پیوسته است.

با توجه به تحقیقاتی بررسی‌شده، نتایج متفاوتی درباره اثرهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی در کشورهای مختلف به‌طور کامل مشهود است. با وجود این، بیشتر بررسی‌ها نشان می‌دهد در بیشتر کشورهای که استانداردهای آنها شباهت بیشتری با استانداردهای بین‌المللی دارد، با هزینه کمتری هماهنگ‌سازی استانداردها عملی می‌شود (Soderstrom & sun, 2008). افزون بر این با یک برنامه‌ریزی جامع، بیشتر اوقات بعد از سال‌های اول پذیرش استانداردهای بین‌المللی، فواید هماهنگ‌سازی روشن‌تر می‌شود (Morris et al., 2014). در واقع با وجود تضادها، بیشتر کشورها به منافع هماهنگ‌سازی دستکم برای سال‌های بعدی اتفاق نظر دارند و معتقدند بسیاری از مشکلاتی که کشورها در راستای انتقال به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با آنها روبه‌رو هستند، موقتی است و در درازمدت رفع خواهد شد و گستردگی مزایای ناشی از انتقال معایب و مشکلات را پوشش خواهد داد.

نحوه اجرای استانداردهای بین‌المللی

همان‌طور که گفته شد، ناسازگاری‌ها جنبه سطحی ندارند، بلکه نقشی اساسی در عالم داشته و اگر ناسازگاری نبود، تنوع، تغییر و تکامل جهان تحقق نمی‌یافت. با توجه به این دیدگاه، وجود چالش‌ها و تفاوت‌ها در راستای اجرای استانداردهای بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است.

اما نکته درخور توجه اینجاست که وجود همزمان چالش‌ها و منافع پیش‌گفته، گویای آن است که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بدون یک نقشه راه از پیش تعیین‌شده، می‌تواند در آینده خسارت‌هایی را در پی داشته باشد که گاهی جبران‌ناپذیر بوده و لازم است برای رسیدن به تکامل جهانی، پذیرش این استانداردها با برنامه‌ریزی درازمدت همراه شود.

در واقع، پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری یک



بدین ترتیب از سازمان حسابرسی و بورس اوراق بهادار به عنوان نهادهای حرفه‌ای و تأثیرگذار انتظار می‌رود در ایجاد شرایط لازم برای هماهنگ‌سازی در ایران پیش‌قدم بوده و در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نورزند و صاحب‌نظران و اندیشمندان حرفه نیز با انجام تحقیق‌های کاربردی بیشتر در این زمینه، آن‌ها را در رسیدن به این مهم یاری کنند. 

Accounting, 2006

• Hail L., C. Leuz, and P. Wysocki, **Global Accounting Convergence and the Potential Adoption of IFRS by the United States: An Analysis of Economic and Policy Factors**, 2009

• Hope K., J. Yiqiang Jin, and T. Kang, **Empirical Evidence on Jurisdictions that Adopt IFRS**, Journal of International Accounting Research, Vol. 5, No. 2, 2006

• Morris R., S. Gray, J. Pickering, and S. Aisbitt, **Preparers Perceptions of the Costs and Benefits of IFRS: Evidence from Australia Implementation Experience**, Accounting Horizons, Vol. 28, NO. 1, 2014

• Mackintosh I., **The Importance and Challenges of Establishing Standards for Global Finance**, www.ifrs.org, 7 May 2014

• Paananen M., and N. Parmar, **The Adoption of IFRS in the UK**, <http://ssrn.com>, June 27, 2008

• Ramanna K., and E. Sletten, **Why do Countries Adopt International Financial Reporting Standards?** Harvard Business School Accounting & Management Unit Working Paper, No. 09-102, 2009

• Soderstrom N.S. and K.J. Sun, **IFRS Adoption and Accounting Quality: A Review**, Working Paper, University of Colorado at Boulder & University of Hawaii at Manoa, 2008

• Smith L.M., **Are International Financial Reporting Standards (IFRS) an Unstoppable Juggernaut for US and Global Financial Reporting?** The Business Review, Cambridge, Vol. 10, No.1, 2008

• Walker M., **Accounting for Varieties of Capitalism: The Case Against a Single Set of Global Accounting Standards**, The British Accounting Review, 42: 608-627, 2010

پانویستها:

1- International Accounting Standards Committee (IASC)

2- International Accounting Standards Board (IASB)

3- International Financial Reporting Standards (IFRSs)

4- International Accounting Standards (IAS)

منابع:

• توکل‌نیا اسماعیل و زینب اسدی، **استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی: تجربه‌های بین‌المللی**، ماهنامه بورس، شماره ۱۱۱، ۱۳۹۳

• رحمانی علی، **بین‌المللی شدن بورس تهران بدون IFRS غیرممکن است**، ماهنامه بورس، شماره ۶۵، ۱۳۹۳

• رحمانی علی و شراره علیپور، **دیدگاه جامعه‌ی حسابداری ایران در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی ایران**، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۱۴، ۱۳۹۰

• فروغی داریوش و مجید اشرفی، **استانداردهای جهانی حسابداری: چالش‌ها و فرصت‌ها**، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۸، ۱۳۸۹

• مرفوع محمد و مهسا الهامی، **مالیات بر درآمد: از حسابداری مالی تا مالیاتی**، ماهنامه بورس، شماره ۱۱۱، اردیبهشت ۱۳۹۳

• Cascino J., and J. Gassen, **Comparability Effects of Mandatory IFRS Adoption**, London School of Economics, 2012

• Cascino J., and Stefano, **Mandatory IFRS Adoption and Accounting Comparability**, Working paper, London School of Economics, 2010

• Christensen H.B., E. Lee, and M. Walker, **Do IFRS Reconciliations Convey Information? The Effect of Debt Contracting**, Journal of Accounting Research, 2009

• Gallhofer S., and J. Haslam, **The Accounting-Globalisation Interrelation: An Overview with Some Reflections on the Neglected Dimension of Emancipatory Potentiality**, Critical Perspectives on